

تاریخ ہرودوت

جلد دوم

ترجمہ

مرتنی ثاقب فر



آثار اامیر

۵۴۳-۳

فهرست مطالب

۵۹۷ کتاب پنجم: تَرپسی خوره
۵۹۹ داریوش علیه اروپا
۵۹۹ فرمانبرداری پرینتی‌ها
۶۰۰ تراکیه: اقوام و آداب و عادات
۶۰۳ فرمانبرداری پثونی‌ها [پایونی‌ها]
۶۰۵ هیئت ایرانی در مقدونیه
۶۰۸ احضار هیستیايوس
۶۱۰ فتوحات اوتانس
۶۱۰ شورش ایونیه
۶۱۰ وقایع ناکسوس و میلئوس
۶۱۴ شورش آریستاگوراس
۶۱۶ آریستاگوراس در اسپارت
۶۲۴ آریستاگوراس در آتن
۶۴۹ لشکرکشی علیه سارد
۶۵۱ گسترش شورش
۶۵۲ خشم داریوش
۶۵۳ شکست شورش
۶۵۶ نبردهای سرداران پارسی در آسیای صغیر
۶۵۸ پایان کار آریستاگوراس
۶۵۹ پی‌نوشت

۶۷۵	کتاب ششم: اراتو
۶۷۷	پایان شورش ایونیه
۶۷۷	هیستیا یوس در ایونیه
۶۷۸	تسخیر میلتوس
۶۸۵	درساموس
۶۸۷	مرگ هیستیا یوس
۶۸۹	فرمانبرداری جزایر
۶۸۹	فرمانبرداری هلسپونت
۶۹۰	میلیتادس در خرسونس
۶۹۳	سازماندهی مجدد ایونیه
۶۹۴	داریوش علیه یونان
۶۹۴	لشکرکشی یکم
۶۹۴	شکست مردونیه
۶۹۵	تاسوس
۶۹۶	اتمام حجت داریوش با یونان
۶۹۷	آیگینا
۶۹۷	در اسپارت: کلثومنس علیه دماراتوس
۶۹۹	شاهان اسپارت
۷۰۲	برکناری دماراتوس
۷۰۸	مرگ کلثومنس
۷۱۳	آتن علیه آیگینا
۷۱۷	لشکرکشی دوم
۷۱۸	ناکسوس، دلوس
۷۲۱	ماراتون
۷۳۰	درباره آلکمنوئیدها

۷۳۵	میلیتادس
۷۴۰	پی نوشت
۷۵۱	کتاب هفتم: پولومنیا
۷۵۳	در سوی ایرانیان
۷۵۴	خشایارشا مصمم به حمله
۷۶۶	تدارکات
۷۶۷	کانال آتوس
۷۶۹	ارتش به سارد می رسد
۷۷۲	پل ها بر تنگه
۷۷۴	ارتش به هلسپونت می رسد
۷۸۱	گذر از هلسپونت
۷۸۳	شمارش افراد ارتش
۷۹۱	سپاه جاویدان
۷۹۱	سواره نظام
۷۹۲	شمارش ناوگان
۷۹۷	خشایارشا و دماراتوس
۷۹۹	ارتش در حال حرکت از دوریسکوس به ترما
۸۰۴	میزبانان شاه
۸۰۹	در سوی یونانیان
۸۰۹	ملل و اقوام
۸۰۹	پیکهای داریوش
۸۱۲	آتن
۸۱۶	تمیستوکلس
۸۱۷	اقدامات یونانیان

۸۱۸	در آرگوس
۸۲۱	در سیسیل: جلون [گلون]
۸۲۹	در کورکورا [کورسیر]
۸۲۹	در کرت
۸۳۱	در تسالی
۸۳۲	گزینش مواضع
۸۳۵	عملیات نظامی
۸۳۵	در دریا
۸۳۶	نیروهای ایران در آرتمیسیون
۸۳۸	توفان
۸۴۲	در خشکی: ترموپیل
۸۴۴	نیروهای یونان
۸۴۵	لفونیداس
۸۶۱	پی‌نوشت
۸۸۹	کتاب هشتم: اورانیا
۸۹۱	شکست ایرانیان
۸۹۱	در دریا: نبرد آرتمیسیون
۸۹۸	عقب‌نشینی ناوگان یونان
۹۰۰	در خشکی: ایرانیان در مرکز یونان
۹۰۲	تسالی‌ها علیه فوکه‌ای‌ها
۹۰۴	ایرانیان در دوریس، فوکیس [فوکید] و بثوسی
۹۰۵	معجزه در دلفی
۹۰۷	در دریا: یونانیان در سالامیس
۹۱۱	تصرف آتن

۹۱۳	در سالامیس: مداخله تمیستوکلس
۹۱۸	ایرانیان در سالامیس
۹۲۰	پلوپونزی‌ها ایستموس را محکم می‌کنند
۹۲۱	در سالامیس: نیرنگ تمیستوکلس
۹۲۴	مداخله آریستید
۹۲۵	پیکار
۹۳۲	پس از نبرد: تصمیم خشایارشا
۹۳۴	توصیه مردونیه
۹۳۵	توصیه آرتمیس
۹۳۶	هرموتیموس خواجه
۹۳۸	تصمیم‌های یونانیان
۹۴۱	عقب‌نشینی خشایارشا
۹۴۵	در یونان: غنایم و پاداش‌ها
۹۴۷	ایرانیان در یونان می‌مانند
۹۴۹	تدارکات بهار ۴۷۹
۹۵۰	رایزنی مردونیه با هاتفان
۹۵۲	تلاش‌های الکساندر مقدونی در آتن
۹۵۲	خاستگاه شاهان مقدونیه
۹۵۴	خودداری آتن
۹۵۷	پی‌نوشت
۹۷۵	کتاب نهم: کالیوپه
۹۷۷	در یونان: نبرد پلاته
۹۷۷	مردونیه آتن را می‌گیرد
۹۷۸	درخواست آتن از اسپارت
۹۸۲	مردونیه در بثوسی

۹۸۵	رسیدن نیروهای یونانی
۹۸۵	اولین ضربات
۹۸۸	موضع‌گیری یونانیان در پلاته
۹۹۰	نیروهای یونانی
۹۹۲	نیروهای ایرانی
۹۹۳	پیشگویی‌ها و قربانی‌ها
۹۹۷	روز یازدهم
۱۰۰۰	روز دوازدهم
۱۰۰۴	روز سیزدهم
۱۰۰۵	نبرد پلاته
۱۰۱۴	پس از نبرد
۱۰۱۹	محاصره تبس
۱۰۲۰	عقب‌نشینی آرتاباز
۱۰۲۰	در آسیا: نبرد موکاله
۱۰۳۰	در سارد: عشق خشایارشا
۱۰۳۳	تسخیر سستوس
۱۰۳۶	خرد کوروش
۱۰۳۶	پی‌نوشت
۱۰۵۱	پیوست‌ها
۱۰۵۳	جدول زمانی وقایع
۱۰۵۹	کتابنامه
۱۰۶۳	اوزان و مقادیر
۱۰۶۵	فهرست اعلام

کتاب پنجم

Terpsichore / تریپسی خوره
(الهة رقص)

فهرست کتاب پنجم

داریوش علیه اروپا (۱-۲۷): توسط مگاباز، به تسلیم کشانده شدن پرینتی‌ها، ۱-۲؛ تراکیه (اقوام و آداب و رسوم) ۳-۱۰؛ پثونی‌ها، ۱۲-۱۶ (دوپئونایی، خواهر آنان و داریوش؛ ۱۲-۱۳؛ ساکنان خانه‌های روی آب ۱۶) هیئت نمایندگی پارس در مقدونیه: ناپدید شدن آنان، ۱۷-۲۲ - هیستیانوس ملطی، پاداش گرفته از داریوش ۱۱، فراخوانده شده به شوش، ۲۳-۲۵. فتوحات اوتانس، ۲۶-۲۷.

شورش در ایونی (۲۸-۱۲۶): قضایای ناکسوس و میلنوس؛ شکست آریستاگوراس و مداخله ایران، ۲۸-۳۴ - شورش آریستاگوراس، پیام هیستیانوس، ۳۵-۳۸؛ آریستاگوراس در اسپارت، ۳۹-۵۴ (تاریخ اسپارت: کلئومنس، ۳۹-۴۱؛ دوریوس در لیبی و سیسیل، ۴۲-۴۸؛ جاده شوش، ۴۹-۵۴)؛ در آتن، ۵۵-۹۷ (تاریخ آتن: مرگ هیپارخوس، ۵۵-۵۷، اصالت فنیقیایی الفبای یونانی، ۵۸-۶۱؛ تبعید پادشاهان خودکامه [جباران]، نقش آکمئونیدها، مداخلات اسپارت، ۶۲-۶۵؛ اصلاحات کلیستنس در آتن و جدّ اعلایش در سیکیون، ۶۶-۶۹؛ تبعید مائوری‌ها، دخالت اسپارت، ۷۰-۷۶؛ مبارزات آتنی‌ها با بثوسی‌ها، خالکیدها، تبسی‌ها، آگیئا، ۷۷-۸۹؛ اسپارت به متحدانش پیشنهاد می‌کند خودکامگان را دوباره در آتن بر سر کار آورند: اعتراض سوکلیس کورینتی، تاریخ خودکامگان کورینت، ۹۰-۹۳؛ مبارزه آتن علیه موتیلن، ۹۴-۹۵ - قطع رابطه آتن با پارس، ۹۶ و کمک به شورشیان، ۹۷؛ لشکرکشی به سارد، ۹۹-۱۰۲؛ گسترش شورش، ۱۰۳-۱۰۴؛ خشم داریوش، ۱۰۵؛ هیستیانوس شوش را ترک می‌کند، ۱۰۶-۱۰۷ - شکست شورش؛ قبرس مغلوب، ۱۰۸-۱۱۶؛ نبردهای سرداران پارس در آسیای صغیر، ۱۱۷-۱۲۳ - فرجام آریستاگوراس، ۱۲۴-۱۲۶.

داریوش علیه اروپا

فرمانبرداری پرینتی‌ها

[۱] ایرانیانی که داریوش به فرماندهی مگاباز^۱ در اروپا نهاده بود نخست پرینتی‌های ساکن هلسپونت را که از پذیرش یوغ شاه خودداری می‌ورزیدند سرکوب کردند. این پرینتی‌ها قبلاً نیز از پایونی‌ها^۲ به شدت ضربه خورده بودند. [و داستان آن چنین است که] هاتف^۳ خدای پایونی‌های ساکن در کنار رود استروما [استرومون] آنان را برانگیخته بود که به پرینتی‌ها حمله‌ور شوند. و گفته بود اگر پرینتی‌های جبهه آراسته در برابر ایشان فریاد زدند و نام آنان را بر زبان آوردند باید به ایشان حمله کرد و در غیر این صورت نباید از جای خود تکان خورد، و پایونی‌ها از این هاتف اطاعت کردند. در آن موقع پرینتی‌ها، در پی یک لاف و گزاف مبارزطلبی، در مقابل شهر خود اردو زده و مبارزه‌ای سه‌گانه و تن به تن را میان، دو رزمنده، دو اسب و دو سگ ترتیب داده بودند. هواداران گروهی که در دو مبارزه اول پیروز شده بود از شدت شادی شروع به خواندن سرود «پثان» کردند^۴، ولی پثونی‌ها با شنیدن کلمه «پثان» چنین پنداشتند که پیشگویی تحقق یافته است و گمان می‌کنم اندیشیدند: «خوب، این همان چیزی است که هاتف گفته است و اکنون نوبت ماست که دست به کار شویم.»

آن‌گاه به پرینتی‌هایی که همچنان سرودشان را می‌خواندند یورش بردند، چنان‌که جز چند تن کسی جان سالم به در نبرد.

[۲] چنین بود داستان نخستین شکستی که پرینتی‌ها از پثونی‌ها خورده بودند. این بار نیز پرینتی‌ها دلیرانه جنگیدند تا از آزادی خود دفاع کنند و شاید اگر سربازان مگاباز از لحاظ عددی از ایشان برتر نبودند پیروز نمی‌شدند. به هر حال مگاباز پس از شکست دادن پرینتی‌ها سراسر تراکیه را درنوردید و یوغ شاه بزرگ را برگردن تمام

شهرها و همه اقوام این سرزمین افکند. داریوش فرمان داده بود که تراکیه باید فرو گشوده شود.

تراکیه: اقوام و آداب و عادات

[۳] جمعیت تراکیه پس از هندیان پرشماره‌ترین جمعیت در جهان است. اگر تراکیه‌ای‌ها یک رهبر داشتند و می‌توانستند با هم سازش داشته باشند قومی شکست‌ناپذیر و البته به گمان من نیرومندترین قوم جهان می‌شدند؛ اما این درست آن چیزی است که در مورد آنان ناممکن است و هرگز نیز پیش نخواهد آمد و از همین‌روست که بیچاره و زبون مانده‌اند. این قوم در هر منطقه نام متفاوتی دارد ولی، بجز گناها، تراثوس‌ها و قبایلی که بالای قبایل کرستون‌ها زندگی می‌کنند^۴، کم و بیش همگی آنان آداب و رسوم همانندی دارند.

[۴] پیش از این درباره خلق و خوی گناها که می‌پندارند زندگی جاودان دارند سخن گفتم. تراثوس‌ها در مجموع آداب و عادات بقیه تراکیه‌ای‌ها را دارند، اما رفتار آنان درباره تولد و مرگ چنین است: خانواده نوزاد دور او جمع می‌شوند و به خاطر تمام درد و رنج‌هایی که باید در این جهان تحمل کند بنای گریه و زاری را می‌گذارند و به ذکر مصائب آدمیزاد در این دنیا می‌پردازند؛ اما مرده را در میان شادی و سرور و فضایی آکنده از خنده و شوخی به خاک می‌سپارند و می‌گویند از تحمل همه بدبختی‌های این جهان آسوده شد.

[۵] آداب و رسوم تراکیه‌ای‌های بالای کرستون‌ها چنین است: هر مرد چند زن می‌گیرد؛ وقتی مردی می‌میرد، بگو مگو و رقابت شدیدی میان زنانش در پیش چشم دوستانش در می‌گیرد تا معلوم شود زن گرامی و سوگلی او چه کسی بوده است. آن‌گاه هر زنی که از این میدان رقابت پیروز بیرون آید، همه مردان و زنان حاضر زبان به ستایش او می‌کشایند، و آن‌گاه نزدیکترین خویشاوند مرد او جلو می‌آید، سر او را گوش تا گوش روی قبر شوهرش می‌برد و او را در کنار شوهر به

خاک می‌سپارند، و بقیه همسران آن مرد باید زنده بمانند و ننگ زنده ماندن را تحمل کنند، زیرا بزرگترین رسوایی و بدنامی دامنگیرشان شده است.

[۶] آداب و عادات اقوام دیگر تراکیه چنین است: فرزندان خود را در خارج از سرزمین خود می‌فروشند؛ به کارهای دختران خود هیچ کاری ندارند اما شدیداً مواظب رفتار زنان خود هستند و آنان را از پدرانشان به بهای گزافی خریده‌اند: خالکوبی^۵ را نشانه‌ای از اصالت و نداشتن خالکوبی را مایه فرومایگی می‌دانند؛ شریف‌ترین کارها ولگردی است و پست‌ترین کارها کشت و برز؛ ضمن این که جنگ و تاراج شریف‌ترین حرفه شمرده می‌شود. این بود، برجسته‌ترین آداب آنان.

[۷] یگانه خدایانی که می‌پرستند آرس، دیونیزوس [دیونیسوس] و آرتمیس‌اند. اما شاهانشان احترام خاصی برای هرمس^۶ قائل‌اند، فقط به نام او سوگند می‌خورند و مدعی‌اند که از تبار این خدا هستند.

[۸] مراسم تشییع و تدفین توانگران چنین است: مدت سه روز جنازه را نگه می‌دارند و پس از گریه و زاری مرسوم، حیوانات چندی را قربانی می‌کنند و جشن می‌گیرند و به خورد و نوش می‌پردازند. آن‌گاه جنازه یا خاکستر آن را به خاک می‌سپارند و برگورش خاک می‌ریزند و سپس مسابقات گوناگونی با جوایز ارزنده و گوناگون برگزار می‌کنند که مهمترین آنها جنگ تن به تن است. این بود مراسم خاکسپاری آنان.

[۹] درباره اقوام ساکن در نقاط دورتر به سوی باد شمال هیچ کس آگاهی چندانی ندارد؛ اما بی‌گمان در آن سوی ایستروس [دانوب] کویر بی‌پایانی وجود دارد. بنابر اطلاعاتی که من توانسته‌ام به دست بیاورم یگانه قوم ساکن در آن سوی ایستروس سیگون‌ها هستند که مانند مادها لباس می‌پوشند. می‌گویند بدن اسب‌های آنان به اندازه پنج انگشت سراسر پوشیده از پشم است که تاب تحمل یک سوارکار را